**«غریبه‌ای در ساحل» نوشته‌ی کارِن جنینگز با ترجمه‌ی بهمن یغمایی، توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر شد. این رمان، کاندیدای جایزه‌ی بوکر 2021 شد.**

**در ادامه، یادداشتِ بهمن یغمایی را می‌خوانید.
کتاب، تصویری است از تاریخ متلاطم یک کشور آفریقایی بر روی جوانی آرمان‌گرا که در قیامی علیه دیکتاتوری که پس از استقلال، قدرت را قبضه کرده است دستگیر و 25 سال را در زندان می‌گذراند. او پس از آزادی سعی می‌کند در جزیره‌ای غیرمسکونی خاطرات گذشته‌اش را فراموش کند که با پناهجوی غریبه‌ای روبرو می‌شود و ذهنش همانند امواج متلاطمی که به ساحل می‌خورد به تلاطم می‌افتد.
«غریبه‌ای در ساحل» رمانی است جسورانه، وحشتناک، عمیق و در عین حال ظلمانی، نافذ و تکان‌دهنده، بازتابی از شکست آرمان‌گرایی و تداوم بی‌عدالتی و آوارگی انسان‌ها در دوران معاصر. به گفته منتقدین ادبی این کتاب همان تاثیر بیگانه کامو، گزارش یک مرگ از پیش تعیین شده مارکز، یا در قلب تاریکی ژوزف کنراد را بر انسان می‌گذارد. برخی نیز آن را قوی‌ترین رمان سال 2021 می‌دانند. کتابی بدون زمان و مکان و در عین حال در هر زمان و مکان.
داستانی است سرزنده و پرتحرک با نوشتاری شفاف و ساده که هر لحظه‌ی آن را می‌توان به خوبی به تصویر کشید. وقتی کلمات و جملات را می‌خوانید، داستان در ذهنتان شکل می‌گیرد، زنده می‌شود و به واقعیت می‌پیوندد. کتاب، پرتره‌ای است زنده از تاریخ معاصر که از همان صفحه اوّل با گیرائی مخصوصی وقایع را بیان می‌کند.**

**متنِ رمان «غریبه‌ای در ساحل» اینگونه آغاز می‌شود:
این اولین باری بود که یک بشکه نفت روی سنگ ریزه‌های پراکنده‌ی ساحل جزیره افتاده بود. چیزهای دیگری در طول سالیان متمادی به ساحل می‌رسید – پیراهن‌های مندرس، تکه پاره‌های طناب، در پوش‌های شکسته‌ی پلاستیکیِ ظروف غذا، روبان‌هائی از مواد مصنوعی که برای جمع کردن گیسوان به کار می‌رود، و همینطور اجساد غرق شدگان، همانگونه که امروز هم جسدی به درازا کنار بشکه‌ای افتاده بود، دستش به طرف جلو، انگار اشاره می‌کرد که با بشکه همسفر بوده است و اکنون نمی‌خواهد از آن جدا شود.**

**خرید کتاب با 20درصد تخفیف:**[**http://roshangaran-pub.ir/bookshow/B490121673**](http://roshangaran-pub.ir/bookshow/B490121673)